

**جهت تهیه این کتاب می‌توانید با شماره  
تلفن‌های ذیل تماس حاصل نمایید.**

**۰۲۵-۳۷۷۴۹۲۷۴**

**۰۹۱۲۶۵۲۵۰۷۰**

**همچنین می‌توانید در شبکه‌های  
اجتماعی ایتا و تلگرام با شماره فوق  
سفارش خود را ثبت فرمایید.**

■ کانال ایتا: [nashrehoghoghepoya](#)

■ کانال تلگرام: [hoghoghepoyapub](#)

■ کانال پیام رسان بله: [pooya\\_law](#)

■ کانال پیام رسان سروش: [pooyalaw](#)

■ فروشگاه اینترنتی: [www.hpbook.ir](#)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# دستیار دادگاه حقوقی

جلد شانزدهم

اعاده دادرسی، اعتراض ثالث حکمی، اعتراض ثالث اجرایی

دکتر جمال صالحی ذهابی

(قاضی دادگاه تجدیدنظر استان کرمانشاه)

مجید عطایی جنتی

(رئیس شعبه دادگاه عمومی حقوقی)

مریم ذبیحی

(قاضی دادگستری)

دکتر فاطمه واحدی کبیری

(قاضی دادگستری و مدرس دانشگاه)

نشر حقوق پویا

## فهرست مطالب

مقدمه ..... ۷

### فصل اول: تفاوت های اعتراض ثالث اجرایی با اعتراض ثالث حکمی ..... ۹

گفتار اول: مرجع رسیدگی در دعوای اعتراض ثالث اجرایی و اعتراض ثالث حکمی ..... ۱۰

گفتار دوم: رعایت تشریفات و عدم رعایت تشریفات در دعوی اعتراض ثالث اجرایی و حکمی ..... ۱۱

گفتار سوم: معیار تشخیص اعتراض ثالث اجرایی و اعتراض ثالث حکمی ..... ۱۳

گفتار چهارم: نمونه قرار صادره و تفاوت اعتراض ثالث اجرایی و اعتراض ثالث حکمی ..... ۱۸

### فصل دوم: نحوه رسیدگی به دعوای اعتراض ثالث حکمی ..... ۲۱

بخش اول: رسیدگی شکلی به دعوای اعتراض ثالث حکمی ..... ۲۲

گفتار اول: صلاحیت ..... ۲۲

گفتار دوم: دادخواست ..... ۳۶

گفتار سوم: مالی یا غیرمالی بودن ..... ۴۷

گفتار چهارم: هزینه دادرسی ..... ۴۷

گفتار پنجم: میزان حق الوکاله و تمبر مالیاتی وکیل ..... ۴۸

گفتار ششم: توقیف عملیات اجرایی ..... ۵۰

بخش دوم: رسیدگی ماهوی به دعوای اعتراض ثالث حکمی ..... ۵۰

گفتار اول: دادخواست اعتراض ثالث قبل از قطعییت دادنامه ..... ۵۱

گفتار دوم: امکان طرح دعوای طاری در دعوای اعتراض ثالث حکمی ..... ۵۵

- گفتار سوم: اعتراض شخص ثالث و حکم دادگاه به نفع شخص ثالث و  
 ۶۰ ..... اعتراض شخص ثالث دیگر به حکم  
 گفتار چهارم: تاثیر انتقال مال موضوع اعتراض شخص ثالث در اثنای  
 ۶۱ ..... رسیدگی به دعوای اعتراض شخص ثالث  
 گفتار پنجم: الغای تمام یا قسمتی از حکم مورد اعتراض ..... ۶۳  
 گفتار ششم: اعتراض شخص ثالث نسبت به گزارش اصلاحی ..... ۶۴  
 گفتار هفتم: دادخواست الزام به تنظیم سند و... همزمان دادخواست  
 ۷۳ ..... اعتراض ثالث حکمی (استماع دعوای دیگر ضمن اعتراض ثالث)  
 گفتار هشتم: اعتراض ثالث نسبت به قرار ..... ۷۴  
 گفتار نهم: دادخواست اعتراض ثالث نسبت به رای غیابی ..... ۷۷  
 گفتار دهم: ورود قاضی دادگاه در ماهیت دعوی در دعوی اعتراض ثالث  
 ۷۸ .....  
 گفتار یازدهم: مبنای تشخیص شخص ثالث ..... ۷۸

#### فصل سوم: نحوه رسیدگی به دعوای اعاده دادرسی ..... ۸۲

- بخش اول: رسیدگی شکلی به دعوای اعاده دادرسی ..... ۸۳  
 گفتار اول: صلاحیت ..... ۸۳  
 گفتار دوم: دادخواست ..... ۹۳  
 گفتار سوم: احراز اختیار وکیل ..... ۹۴  
 گفتار چهارم: مالی یا غیر مالی بودن ..... ۹۶  
 گفتار پنجم: هزینه دادرسی ..... ۹۶  
 گفتار ششم: میزان حق الوکاله و تمبر مالیاتی وکیل ..... ۱۰۲  
 گفتار هفتم: توقیف عملیات اجرایی ..... ۱۰۲  
 بخش دوم: رسیدگی ماهوی به دعوای اعاده دادرسی ..... ۱۰۲  
 گفتار اول: ذکر جهات اعاده دادرسی در دادخواست ..... ۱۰۲  
 گفتار دوم: ضمانت اجرای عدم ذکر جهات اعاده دادرسی در دادخواست  
 ۱۱۷ .....

- گفتار سوم: اعاده دادرسی نسبت به قرار ..... ۱۱۹
- گفتار چهارم: تقدیم دادخواست اعاده دادرسی در مهلت قانونی ..... ۱۲۳
- گفتار پنجم: اعاده دادرسی از حکم غیر قطعی ..... ۱۲۴
- گفتار ششم: قرار قبول اعاده دادرسی ..... ۱۲۴
- گفتار هفتم: نحوه برگزاری جلسه رسیدگی دعوی اعاده دادرسی ..... ۱۳۰
- گفتار هشتم: نحوه صدور حکم توسط قاضی دادگاه در دادخواست اعاده دادرسی ..... ۱۳۰
- گفتار نهم: پذیرش یا عدم پذیرش اعاده دادرسی مجدد ..... ۱۳۱
- گفتار دهم: اشخاص مجاز به ورود در اعاده دادرسی (اعتراض ثالث، ورود ثالث) ..... ۱۳۱
- گفتار یازدهم: اعاده دادرسی در مهلت واخواهی و تلقی نمودن آن به عنوان واخواهی ..... ۱۳۱
- گفتار دوازدهم: امکان یا عدم امکان ایراد شکلی در مرحله اعاده دادرسی به دعوی بدوی ..... ۱۳۳
- گفتار سیزدهم: اعاده دادرسی نسبت به رای داور ..... ۱۳۵

### فصل چهارم: نحوه رسیدگی به دعاوی اعتراض ثالث اجرایی ..... ۱۳۷

- بخش اول: رسیدگی شکلی به دعاوی اعتراض ثالث اجرایی ..... ۱۳۸
- گفتار اول: صلاحیت ..... ۱۳۸
- گفتار دوم: دادخواست ..... ۱۴۷
- گفتار سوم: مالی یا غیر مالی بودن ..... ۱۴۸
- گفتار چهارم: هزینه دادرسی ..... ۱۵۰
- گفتار پنجم: توقیف عملیات اجرایی ..... ۱۵۳
- بخش دوم: رسیدگی ماهوی به دعوی اعتراض ثالث اجرایی ..... ۱۵۳
- گفتار اول: قابلیت تجدیدنظرخواهی رای دادگاه در خصوص اعتراض شخص ثالث ..... ۱۵۴

- گفتار دوم: طرف دعوا قرار دادن محکوم له و محکوم علیه در دادخواست  
ثالث اجرایی ..... ۱۵۴
- گفتار سوم اعتراض ثالث اجرایی در راستای صدور قرار تامین خواسته  
..... ۱۵۸
- گفتار چهارم: مراد از عدم رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی در  
دادخواست اعتراض شخص ثالث ..... ۱۶۳
- گفتار پنجم: امکان یا عدم امکان دعوی ورود ثالث در دادخواست  
اعتراض ثالث اجرایی ..... ۱۶۵
- گفتار ششم: احراز مالکیت دادگاه در دادخواست اعتراض ثالث اجرایی و  
تسری این مالکیت به دعاوی دیگر ..... ۱۶۷
- گفتار هفتم: توقیف مال در شعب متعدد اجرای احکام مدنی و تسری  
دادخواست اعتراض شخص ثالث به شعب دیگر ..... ۱۶۹
- گفتار هشتم: امکان یا عدم امکان صدور حکم به ابطال سند در فرض  
پذیرش دادخواست اعتراض ثالث اجرایی ..... ۱۷۲
- گفتار نهم: تقدیم دادخواست اعتراض شخص ثالث و الزام به تنظیم سند  
به صورت توأمان ..... ۱۷۴

در مبحث صلاحیت، جلد اول کتاب دستیار دادگاه حقوقی بیان شد اولین نکته‌ای که قاضی رسیدگی کننده به دعاوی حقوقی می‌بایست بدان دقت نماید، مبحث صلاحیت است و در جلد دوم کتاب اشاره شد که قاضی رسیدگی کننده در صورت صلاحیت می‌بایست دادخواست را کنترل نماید؛ مدیر دفتر در راستای ماده ۶۴ قانون آیین دادرسی مدنی، پرونده را نزد قاضی دادگاه ارسال می‌نماید و به این تکلیف قانونی خود، مطابق با مواد ۵۱ به بعد قانون آیین دادرسی مدنی عمل می‌نماید، در جلد سوم این کتاب به شرایط دستور تعیین وقت رسیدگی و امور فوری که همراه با خواسته اصلی ممکن است خواهان مطرح نماید (تامین خواسته، دستور موقت، توقف عملیات اجرایی و...) و دعاوی که نیاز به تعیین وقت رسیدگی ندارد، اشاره شده است و در جلد چهارم کتاب به شرایط تشکیل جلسه دادرسی (کنترل ابلاغات و...) اشاره شده است و در جلد پنجم کتاب به مواردی که قاضی رسیدگی کننده به دعاوی حقوقی، می‌بایست قرار عدم استماع صادر نماید، به صورت مستدل و مستند اشاره شده است و در جلد ششم کتاب به حقوق و تکالیف اصحاب دعوا تا پایان جلسه اول دادرسی و در جلد هفتم به ایرادات موضوع ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی و در جلد هشتم به ادله اثبات دعوا در امور حقوقی اشاره شده است و در جلد نهم کتاب به نکات مربوط به صدور رای و در جلد دهم الی چهاردهم کتاب به نمونه آرا در کل موضوعات دعاوی حقوقی که به صورت مبتلابه، در محاکم مطرح شده، اشاره گردیده است و در جلد پانزده کتاب، به دستور حقوقی اشاره شد که رای قاضی رسیدگی کننده صادر می‌نماید ممکن است از سوی خواهان یا خوانده به این رای اعتراض شود و این اعتراض، گاهی در قالب واخواهی و تجدیدنظرخواهی انجام می‌شود که در جلد پانزده کتاب دستیار حقوقی

بدان اشاره گردید و همچنین ممکن است از طریق اعاده دادرسی، اعتراض ثالث حکمی، اعتراض ثالث اجرایی و فرجام خواهی باشد که در این مجلد به صورت مفصل به این مباحث اشاره می‌گردد.



فصل اول: تفاوت های اعتراض ثالث

اجرایی با اعتراض ثالث حکمی

هنگامی که دادخواست اعتراض ثالث حکمی به شعبه ارجاع شد، قاضی دادگاه می‌بایست شرایط شکلی دادخواست و سپس مباحث ماهوی رسیدگی به اعتراض ثالث حکمی را بررسی نماید که در این خصوص به شرح ذیل به صورت مفصل به این مباحث اشاره می‌گردد.

### بخش اول: رسیدگی شکلی به دعاوی اعتراض ثالث حکمی

قاضی دادگاه در رسیدگی به دعاوی اعتراض ثالث حکمی باید دقت نماید که آیا صلاحیت رسیدگی به دعوا را دارد و اینکه دادخواست از نظر شکلی به نحو صحیح مطرح شده است یا خیر؟

### گفتار اول: صلاحیت

هنگامی که دادخواستی به عنوان اعتراض ثالث حکمی به شعبه ارجاع شد، همچنان که در جلد اول کتاب دستیار دادگاه حقوقی مطرح گردید، اولین نکته ای که قاضی رسیدگی کننده به دعوا می‌بایست بدان دقت نماید این است که آیا نسبت به رسیدگی به دعوا صلاحیت دارد یا خیر؟ و اگر نسبت به دعوا صلاحیت داشت، می‌تواند دستور تعیین وقت رسیدگی را صادر نماید، لذا اولین نکته ای که در خصوص دعاوی اعتراض ثالث حکمی قاضی می‌بایست دقت نماید مبحث صلاحیت است.

حال در خصوص این مطلب که دادخواست اعتراض ثالث حکمی می‌بایست در کدام مرجع مطرح شود، قاضی دادگاه با دو حالت مواجه می‌باشد، حالت اول اعتراض ثالث حکمی اصلی، طبق ماده ۴۲۰ قانون آیین دادرسی مدنی است که دادخواست اعتراض ثالث اصلی حکمی، می‌بایست در دادگاهی مطرح شود که رای قطعی معترض عنه را صادر کرده است. به عنوان مثال اگر شعبه دوم دادگاه عمومی حقوقی شهرستان سندج، رای در خصوص دعوی الزام به تنظیم سند را صادر نموده

باشد و این رای در شعبه فوق الذکر قطعی شده باشد و شخص ثالثی نسبت به این حکم، دادخواست اعتراض ثالث اصلی را مطرح نماید، این دادخواست باید در شعبه دوم دادگاه عمومی حقوقی شهرستان سنندج که رای قطعی را صادر نموده، مطرح گردد. اما اگر احدی از اصحاب دعوی به این رای توسط اعتراض کرده باشند و رای در شعبه هشتم دادگاه تجدیدنظر استان کردستان قطعی شده باشد، در چنین صورتی دادخواست اعتراض ثالث حکمی می‌بایست در شعبه هشتم دادگاه تجدیدنظر استان کردستان مطرح گردد. حال سوالی که قابل ذکر می‌باشد این است که اگر شخص ثالث، دادخواست اعتراض ثالث به رای که در شعبه هشتم دادگاه تجدیدنظر استان کردستان قطعی شده است را در شعبه دوم دادگاه عمومی حقوقی شهرستان سنندج مطرح نماید، در چنین صورتی قاضی شعبه دوم دادگاه عمومی حقوقی شهرستان سنندج آیا می‌بایست قرار عدم صلاحیت به شایستگی شعبه هشتم تجدیدنظر استان کردستان صادر نماید یا اینکه قرار عدم استماع صادر کند، اختلاف نظر وجود دارد؟ از دیدگاه نگارندگان به علت عدم اخذ هزینه دادرسی مضاعف و جلوگیری از ورود پرونده های متعدد در دادگاه قرار عدم صلاحیت برقرار عدم استماع ترجیح دارد.

نشانه‌ای از پذیرش این دیدگاه و وجه ترجیح، در رویه قضایی و در نمونه ذیل

دیده می‌شود:

شعبه ۴ دادگاه عمومی حقوقی شهرستان کرمانشاه، شماره دادنامه: ۹۴۰۹۹۷۸۳۱۰۴۰۰۸۷۲

تاریخ تنظیم: ۱۳۹۴/۱۲/۰۵

شماره پرونده: ۹۴۰۹۹۸۸۳۱۰۴۰۰۳۵۹ شماره بایگانی شعبه: ۹۴۰۳۸۱

خواسته: «اعتراض ثالث به عملیات اجرایی در پرونده کلاسه ۸۹۰۳۸۹ شعبه

چهارم دادگاه حقوقی موضوع دادنامه شماره ۸۹۰۹۹۷۸۳۲۵۱۰۰۶۶۶»

#### رای دادگاه

آقای رضا ر. در ۱۳۹۴/۷/۲۷ دادخواستی علیه خانم ها سرور و فرشته و آقای

علی رضا م. به خواسته «اعتراض ثالث به عملیات اجرایی در پرونده کلاسه ۸۹۰۳۸۹

شعبه چهارم دادگاه حقوقی موضوع دادنامه شماره ۸۹۰۹۹۷۸۳۲۵۱۰۰۶۶۶ به دادگاه تقدیم نموده و پیش از تشکیل اولین جلسه دادرسی نسبت به معترض<sup>۱</sup> علیهم، به شرح لایحه شماره ۱۱۱۹ - ۱۳۹۴/۹/۷ خواسته را «...اعتراض به حکم صادره از شعبه ۱۱ تجدیدنظر...» اعلام نموده است؛

نظربه شرح دادخواست و پیوست های آن، دادگاه بنا به دلایل ذیل و به دلالت اوراق پرونده، رسیدگی به دعوا را در صلاحیت خود تشخیص نمی دهد:

(۱) درخواست اعتراض ثالث آقای رضا ر. از آن جهت که به طور مستقل اقامه شده، به دلالت بند الف ماده ۴۱۹ ق.آ.د.م، از نوع اعتراض شخص ثالث اصلی است؛

(۲) برابر ماده ۴۱۷ ق.آ.د.م. اگر در خصوص دعوایی، رأیی صادره شود که به حقوق شخص ثالث، خللی وارد آورد و آن شخص یا نماینده او در دادرسی که منتهی به رأی شده است، به عنوان اصحاب دعوا دخالت نداشته باشد، می تواند نسبت به آن رأی اعتراض نماید؛ حکم این دادگاه بدوی نه تنها قطعی نبوده که در این دادگاه نیز قطعیت نیافته است تا امکان اعتراض شخص ثالث نسبت به آن حکم در این دادگاه وجود داشته باشد؛ زیرا دادنامه شماره ۸۸۰۹۹۷۸۳۱۰۴۰۰۷۳۶ - ۱۳۸۸/۱۱/۱۳ همین دادگاه {شعبه چهارم عمومی حقوقی} که مورد اعتراض ثالث آقای رضا ر. می باشد، بر اثر تجدیدنظرخواهی و کیل خانم ها سرور و فرشته م. برابر دادنامه شماره ۸۹۰۹۹۷۸۳۲۵۱۰۰۶۶۶ - ۱۳۸۹/۸/۱۷ شعبه یازدهم دادگاه تجدیدنظر استان کرمانشاه، تأیید و قطعی شده است؛ چنانچه حکم دادگاه بدوی، به صورت قابل تجدیدنظر صادر شده و از آن تجدیدنظرخواهی گردیده باشد، چه در دادگاه تجدیدنظر، تأیید و چه گسیخته شده باشد، مرجع رسیدگی به اعتراض شخص ثالث، دادگاه تجدیدنظر است؛

(۳) هرچند به موجب ماده ۴۲۰ ق.آ.د.م، اعتراض اصلی باید به موجب دادخواست و به طرفیت محکوم له و محکوم علیه رأی مورد اعتراض بوده و این دادخواست به دادگاهی تقدیم می شود که رأی قطعی معترض عنه را صادر کرده است...»، اما به دلالت نظریه شماره ۷/۱۶۹۴ - ۱۳۷۶/۳/۱۷ اداره کل حقوقی و

تدوین قوانین قوه قضائیه، اعتراض ثالث اصلی، باید در شعبه‌ای که حکم قطعی را صادر کرده است، رسیدگی شود و قاضی صادرکننده حکم مورد اعتراض، در این مرحله نمی‌تواند اعلام رد کند؛ زیرا موضوع از موارد رد نیست؛

۴) اگر حکم بدوی مورد تجدیدنظرخواهی واقع شد و در این مرحله منتهی به صدور حکم دائر به تأیید یا فسخ حکم بدوی شده باشد، به رهنمود نظریه شماره ۷/۲۸۳۸-۱۳۷۱/۴/۲۲ اداره کل حقوقی و تدوین قوانین قوه قضائیه، در هر حال، مرجع صالح برای رسیدگی به دادخواست اعتراض شخص ثالث، دادگاه صادرکننده حکم تجدیدنظر می‌باشد و نه حکم بدوی؛ زیرا:

۴-۱) در نظام قضایی کشور و به دلالت رأی وحدت رویه شماره ۵۸۳-۱۳۷۲/۷/۶ هیأت عمومی دیوان عالی کشور، در فرض تأیید حکم دادگاه بدوی در مرجع تجدیدنظر، از آن جهت که آن مرجع {تجدیدنظر}، صادرکننده حکم قطعی شناخته می‌شود، دادگاه بدوی به موجب قانون، مجاز نیست در مقام رسیدگی به اعتراض شخص ثالث، حکمی را نقض کند که در دادگاه بالاتر تأیید و استوار شده است؛

۴-۲) خارج از صلاحیت دادگاه تالی (دادگاه بدوی) است که حکم دادگاه عالی (دادگاه تجدیدنظر) را مورد رسیدگی قرار داده و آن را تأیید یا فسخ نماید و اگر هم در این خصوص صلاحیت دادگاه بدوی، محدود به الغای رأی خود آن دادگاه شود، با ابقای رأی دادگاه تجدیدنظر و قطعی و لازم‌الاجراء بودن آن، فسخ رأی دادگاه بدوی توسط خود آن دادگاه، نتیجه‌ای مغایر با رأی قطعی و لازم‌الاجراء صادر شده از مرجع تجدیدنظر را در بر خواهد داشت که علی‌الاصول نمی‌تواند حقوق معترض ثالث را تأمین نماید؛ از این روی در اینگونه موارد، رسیدگی به اعتراض ثالث، در دادگاه تجدیدنظر است {نظریه شماره ۷/۵۴۸۹-۱۳۷۸/۷/۲۷ اداره کل حقوقی و تدوین قوانین قوه قضائیه}؛

بنابراین و به استناد ماده ۳۲ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب و به دلالت ماده ۲۶ ق.آ.د.م، این دادگاه قرار عدم صلاحیت خود را به اعتبار صلاحیت

دادگاه تجدیدنظر استان کرمانشاه در رسیدگی به اعتراض شخص ثالث نسبت به دادنامه مندرج در دادخواست صادر و اعلام می نماید./

رئیس شعبه چهارم دادگاه عمومی (حقوقی) کرمانشاه - جمال صالحی ذهابی

حالت دوم: در صورتی که دادخواست شخص ثالث اعتراض ثالث طاری باشد، در ادامه و در این مبحث، راجع به تفاوت‌های اعتراض ثالث اصلی با اعتراض ثالث طاری به صورت مفصل اشاره خواهد شد، اما اگر اعتراض طاری مطرح شد طبق ماده ۴۲۱ قانون آیین دادرسی مدنی در دادگاهی که دعوا در آن مطرح است، بدون تقدیم دادخواست به عمل خواهد آمد؛ ولی اگر درجه دادگاه پایین تر از دادگاهی باشد که رای معترض عنه را صادر کرده، معترض، دادخواست خود را به دادگاه بالاتر که رای را صادر کرده، تقدیم می نماید و موافق اصول در آن دادگاه رسیدگی خواهد شد در ادامه به نمونه نشست های قضایی به شرح ذیل اشاره می شود:

موضوع: مرجع صالح رسیدگی به دعوی اعتراض ثالث طاری  
پرسش: کدام دادگاه صالح به رسیدگی به اعتراض ثالث طاری است؟<sup>۱</sup>

#### نظر هیئت عالی

در فرض سؤال، دادگاه صالح به رسیدگی، دادگاهی است که رأی به عنوان دلیل در آن مرجع ارائه گردیده؛ مگر اینکه رأی مورد اعتراض از یک مرجع بالاتر صادر شده باشد که در این صورت باید در دادگاه صادرکننده رأی مورد رسیدگی قرار گیرد.

#### نظر اکثریت

مرجع صالح به رسیدگی به اعتراض ثالث طاری، دادگاهی است که رأی را صادر کرده است و دادگاه رسیدگی کننده نمی تواند آن رأی را نقض کند، چون ممکن است صلاحیت ذاتی نداشته باشد، هر چند هم عرض باشد.

۱. برگزار شده توسط استان فارس / شهر کازرون تاریخ برگزاری ۱۳۹۸.۰۴.۲۰.

**نظر اقلیت**

مرجع صالح، دادگاهی است که رأی در آن مرجع به عنوان دلیل از سوی طرف مقابل ارائه شده است، مگر اینکه رأی از یک مرجع بالاتر صادر شده باشد که در این صورت باید در آن دادگاه رسیدگی شود.

موضوع: مرجع رسیدگی به اعتراض ثالث شرکتهای بیمه به رای صادره پرسش: با توجه به ماده ۵۰ قانون بیمه اجباری خسارت وارده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه، آیا رسیدگی به اعتراض ثالث شرکت بیمه می‌بایست در دادگاه جزائی رسیدگی شود یا اینکه رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه حقوقی است؟<sup>۱</sup>

**نظر هیئت عالی**

با توجه به مفاد ماده ۵۰ قانون بیمه اجباری خسارت وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵، رسیدگی به اعتراض ثالث شرکت بیمه در دادگاه کیفری صادرکننده رای صورت می‌پذیرد.

**نظر اکثریت**

طبق ماده ۱۱۱ و ۱۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری، مرجع رسیدگی به اعتراض ثالث شرکتهای بیمه صرفاً دادگاه حقوقی است.

**نظر اقلیت**

دادگاه کیفری نیز می‌تواند به اعتراض ثالث شرکتهای بیمه رسیدگی کند.

۱. برگزار شده توسط استان چهارمحال و بختیاری / شهر بروجن تاریخ برگزاری ۱۳۹۸.۰۹.۲۵.

موضوع: صلاحیت رسیدگی به اعتراض ثالث نهاد دولتی به رای صادره از شورای حل اختلاف

پرسش: چنانچه پرونده ای در صلاحیت شورای حل اختلاف نباشد اشتباهاً به آن مرجع ارسال گردیده و مرجع مزبور بدون توجه به صلاحیت مبادرت به صدور رأی نموده است و حال شخص ثالث که یکی از ارگانهای دولتی است به رأی اصداری مرجع غیر صالح اعتراض نموده است، فلذا در خصوص رسیدگی به اعتراض ثالث پرونده مذکور آیا دادگاه صلاحیت دارد یا شورای حل اختلاف؟ اگر در صورتی که مرجع صادرکننده رأی اولی صالح به اصل پرونده باشد و ارگان دولتی به عنوان معترض ثالث وارد شود در این فرض شورا بایستی رسیدگی کند یا دادگاه؟<sup>۱</sup>

#### نظر هیئت عالی

در فرض سؤال، مرجع صالح به رسیدگی نسبت به اعتراض ثالث، دادگاهی است که رأی قطعی معترض عنه را صادر کرده، چه طبق بندت ماده ۱۰ قانون شورای حل اختلاف، شورا در دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی، حتی با توافق و تراضی طرفین، صلاحیت رسیدگی ندارد، حال چنانچه علیرغم نص صریح بندت ماده ۱۰ قانون مرقوم، شورای حل اختلاف رسیدگی و رأی قطعی صادر شده باشد، صرفاً از طرق فوق العاده شکایت از آراء قابلیت رسیدگی دارد؛ لیکن در فرض سؤال که اعتراض ثالث از سوی ارگان دولتی به عمل آمده چون در راستای ادامه رسیدگی به دعوی اصلی است؛ لذا مشمول مقررات ماده ۴۲۰ ق.آ.د.م می باشد که دادگاه صادرکننده حکم قطعی در خصوص اعتراض ثالث رسیدگی و اظهارنظر نهایی به عمل می آورد.

۱. برگزار شده توسط استان کرمان/ شهر زرنند تاریخ برگزاری ۱۳۹۷/۰۷/۱۷.



این رای نیز که به نفع علی صادر شده است به حقوق ایشان خلل وارد کرده است، می‌تواند دادخواست اعتراض ثالث حکمی را به طرفیت علی و اکبر مطرح نماید؛ در خصوص اعتراض ثالث حکمی، متفرعاتی وجود دارد که به شرح ذیل به این مباحث اشاره می‌شود.

### گفتار اول: دادخواست اعتراض ثالث قبل از قطعیت دادنامه

با توجه به ماده ۴۲۰ قانون آیین دادرسی مدنی که بیان می‌دارد دادخواست اعتراض ثالث به دادگاهی تقدیم می‌شود که رای قطعی معترض عنه را صادر کرده باشد، می‌توان نتیجه گرفت که دادخواست اعتراض ثالث زمانی قابل طرح است که رای قطعی شده باشد؛ لذا اگر در خصوص دعوی رایی صادر شده باشد که در آن احدی از طرفین پرونده به آن اعتراض نموده باشد و شخص ثالثی نسبت به این رای دادخواست اعتراض ثالث را تقدیم نماید، این دادخواست وفق مقررات قانونی تنظیم نشده است و در این خصوص می‌بایست قرار عدم استماع صادر شود و جهت تبیین موضوع به نشست قضایی به شرح ذیل اشاره می‌شود:

موضوع: اعتراض ثالث حکمی قبل از قطعیت دادنامه  
پرسش: در صورت صدور رأی از دادگاه حقوقی و متعاقباً تجدیدنظرخواهی طرفین و قبل از ارسال پرونده جهت رسیدگی به اعتراض، اگر دادخواستی تحت عنوان اعتراض ثالث اصلی واصل شود، دادگاه بدوی با چه تکلیفی مواجه است؟<sup>۱</sup>

### نظر هیئت عالی

اعتراض ثالث اصلی، مستلزم قطعیت دادنامه و حکم مورد اعتراض ثالث می‌باشد و الا قابلیت استماع ندارد؛ لیکن اگر پرونده به دادگاه تجدیدنظر ارسال شده باشد، شخص ثالث به استناد ماده ۱۳۰ ق.آ.د.م، می‌تواند به عنوان وارد ثالث اقدام به تقدیم

۱. برگزار شده توسط استان بوشهر / شهر بوشهر تاریخ برگزاری ۱۳۹۹.۰۷.۲۱.

دادخواست نماید؛ ضمناً نظریه مشورتی ۷/۵۴۸۹ مورخ ۲۷/۷/۷۸ و ۷/۲۴۴۰ مورخ ۱۳۹۱.۰۷.۰۵ اداره کل حقوقی قوه قضائیه مؤید این دیدگاه می‌باشد.

#### نظر اکثریت

از شرایط لازم برای طرح دعوی اعتراض ثالث اصلی، قطعیت حکم مورد اعتراض است. این مطلب از ماده ۴۱۷ قانون آیین دادرسی به دست نمی‌آید، اما ماده ۴۲۰ قانون مذکور به این شرط اشاره واضح دارد که اگر رأی دادگاه قطعی نباشد اگرچه مضر به حقوق شخص ثالث به نظر می‌رسد ولی قطعی شدن این ضرر متوقف بر قطعیت حکم است. بنابراین طرح دعوی اعتراض ثالث ممکن نخواهد بود. البته در صورتی که برای تجدیدنظرخواهی، پرونده به دادگاه تجدیدنظر ارسال و رسیدگی شود شخص ثالث می‌تواند به استناد ماده ۱۳۰ به‌عنوان ثالث وارد دعوی شود. لذا دادخواست اعتراض ثالث اصلی با قرار عدم استماع مواجه می‌شود.

#### نظر اقلیت

اولاً مقررات مربوط به اعتراض ثالث یا اعاده دادرسی که طرق فوق‌العاده اعتراض هستند، استثنایی محسوب می‌گردند، لذا باید تفسیر مضیق گردند. ثانیاً حسب مقررات مواد ۴۱۸، ۴۱۷ و ۴۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی، ضرورتی به قطعیت رأی وجود ندارد؛ چراکه نصی در این خصوص نداریم و ایرادات احتمالی وجود دارد که حقوق معترض ثالث را دچار خدشه می‌کند. فرض کنید نسبت به تجدیدنظرخواهی قرار رد دادخواست صادر و قطعی گردد یا حتی مسترد گردد و امثال‌ذلک؛ در این فرض چه تصمیمی خواهیم گرفت؟ لذا بدو نمی‌توان قرار رد یا عدم استماع نسبت به اعتراض ثالث صادر گردد. این ایراد قانونی در خصوص تجدیدنظرخواهی و واخواهی طرفین نسبت به دادنامه صادر شده نیز وجود دارد که قانون مبهم است. از طرفی اگر ما قائل به قطعیت دادنامه معترض‌عنه باشیم با ماده ۴۲۲ در تعارض است؛ چراکه برخی از آراء به محض قطعیت، دارای آثار هستند و ضرورتی به صدور اجرائیه و اقدام اجرایی ندارد؛ لذا این امر منتهی به سلب حقوق معترض ثالث می‌گردد. فرض کنید اصلاً تجدیدنظرخواهی نشود و اعتراض ثالث

قبل از قطعیت دادنامه واصل گردد آن وقت چه تصمیمی خواهیم گرفت؟ به نظر بهترین تصمیم در فرض سوال این است که دادخواست مطروحه را تلقی به ورود ثالث نماییم و پرونده را به همراه تجدیدنظرخواهی به دادگاه تجدیدنظر ارسال کنیم که در این صورت دادگاه تجدیدنظر در هر صورت باید نسبت به آن اظهار نظر کند. رویه قضایی برخی دادگاه ها با نظر هیئت عالی و نظر اکثریت همسو است؛ همانند نمونه رأی ذیل:

شعبه ۸ دادگاه تجدیدنظر استان کرمانشاه شماره دادنامه: ۱۴۰۰۵۰۳۹۰۰۰۳۰۴۳۷۶۵  
تاریخ تنظیم: ۱۴۰۰/۰۸/۱۱  
شماره پرونده: ۱۴۰۰۵۰۹۲۰۰۰۰۹۵۵۱۶۷  
شماره بایگانی شعبه: ۰۰۰۰۷۴۹  
تجدیدنظرخواسته: دادنامه شماره ۱۴۰۰۵۰۳۹۰۰۰۱۷۵۷۹۳۴ شعبه اول دادگاه عمومی حقوقی شهرستان ثلاث باباجانی

#### رأی دادگاه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ \* به تاریخ ۱۴۰۰.۸.۹ و در وقت فوق العاده پرونده کلاسه ۷۴۹/۱۴۰۰ در ۱۷ برگ از دفتر واصل و زیر نظر است؛ هیچ یک از طرفین حضور ندارند؛ دادگاه ختم دادرسی را اعلام و چنین رأی انشاء می نماید:

آقایان صابر و .. خانم ها زینب و .. م. در ۱۴۰۰.۵.۲۰ دادخواستی علیه آقایان اقبال و .. خ. به خواسته «اعتراض ثالث نسبت به دادنامه شماره ۱۴۰۰۵۰۳۹۰۰۰۱۷۵۷۹۳۴ شعبه اول دادگاه عمومی حقوقی شهرستان ثلاث باباجانی» به آن دادگاه تقدیم نموده که برابر دستور شماره ۴۹۱۴۵۵۹ - ۱۴۰۰.۶.۳ رئیس محترم همان شعبه، پرونده از موجودی آن دادگاه کسر و ضم پرونده شماره ۵۱/۹۹ گردیده و جهت رسیدگی به دادگاه تجدیدنظر استان فرستاده شده که در تاریخ ۱۴۰۰.۸.۹ به این شعبه (= هشتم) دادگاه تجدیدنظر ارجاع شده است.

نظر به شرح دادخواست و پیوست های آن، دادگاه بنابه دلایل ذیل و دلالت اوراق پرونده، اعتراض را موافق قانون تشخیص نمی دهد:

(۱) هر چند برابر ماده ۴۱۷ ق.آ.د.م، اگر در خصوص دعوایی، رأی صادره شود که به حقوق شخص ثالث، خللی وارد آورد و آن شخص یا نماینده او در دادرسی که منتهی به رأی شده است، به عنوان اصحاب دعوا دخالت نداشته باشد، می تواند نسبت به آن رأی اعتراض نماید، با این حال دعوی آقایان صابر و... و خانم ها زینب و... م. به دلالت بند "الف" ماده ۴۱۹ ق.آ.د.م، از نوع اعتراض ثالث اصلی و ارتجالاً به طرفیت محکوم له و محکوم علیه رأی مورد اعتراض اقامه شده است؛ به موجب نص ماده ۴۲۰ همان قانون: "اعتراض اصلی باید به موجب دادخواست و به طرفیت محکوم له و محکوم علیه رأی مورد اعتراض باشد. این دادخواست به دادگاهی تقدیم می شود که رأی قطعی معترض عنه را صادر کرده است."

(۲) دادنامه شماره ۱۷۵۷۹۳۴/۱۴۰۰۵۰۳۹۰۰۰ شعبه اول دادگاه عمومی حقوقی شهرستان ثلاث باباجانی که مورد اعتراض آقایان صابر... و خانم ها زینب و... م. است، بر اثر دادخواست تجدیدنظرخواهی آقای ابوالحسن ش. به وکالت از آقایان طاهر...، به طرفیت آقایان اقبال و... م، مورد شکایت پژوهشی واقع و در حال رسیدگی بوده و تاکنون رأی قطعی به حکم یا قرار در آن خصوص صادر نشده است.

(۳) اعتراض شخص ثالث از جمله طرق فوق العاده شکایت از رأی و به دلالت ماده ۴۲۱ ق.آ.د.م، گاه عدولی و گاه تصحیحی و محدود به شرایط خاصه مقرر می باشد که دادگاه به جهت ضرورت صیانت از حقوق شخص ثالث، مجاز به تبّع در رأی پیشین بوده و جز با تحقق تمام شرایط آن، حکم قطعیت یافته را مورد بازنگری و رسیدگی قرار نخواهد داد؛ از این روی و به جهت عدم صدور رأی قطعی در خصوص مورد، شروط و ارکان ضروری طرح دعوی اعتراض ثالث در دادگاه و از برای آقایان صابر... و خانم ها زینب و... م. نسبت به دادنامه پیش گفته (=۱۷۵۷۹۳۴/۱۴۰۰۵۰۳۹۰۰۰)، تاکنون فراهم نیامده است.

بنابراین دعوی اعتراض ثالث نامبردگان، موافق ترتیب مقرر قانونی اقامه نشده و دادگاه به موجب مدلول التزامی ماده ۳۵۶ همان قانون (=مقرراتی که در دادرسی بدوی رعایت می شود در مرحله تجدیدنظر نیز جاری است...) و برابر ذیل ماده ۴۲۰

و ماده ۲ قانون یادشده، قرار عدم استماع آن را صادر و اعلام می نماید؛ این رأی به موجب ماده ۳۶۵ قانون پیش گفته، قطعی است.

اعضای شعبه هشتم دادگاه تجدیدنظر استان کرمانشاه  
رئیس: بیژن نجفی      مستشار: جمال صالحی ذهابی

### گفتار دوم: امکان طرح دعاوی طاری در دعاوی اعتراض ثالث حکمی

سوالی که در این خصوص مطرح می شود این است که آیا دعاوی طاری مانند ورود ثالث یا جلب شخص ثالث در دعاوی اعتراض شخص ثالث امکان پذیر می باشد یا خیر؟ به عنوان مثال اگر علی دادخواست اعتراض ثالث نسبت به دادنامه ای که بین بهنام و امید صادر شده است را مطرح نماید و امید در جلسه اول دادرسی، دادخواست جلب شخص ثالث را مطرح نماید آیا چنین دادخواستی قابل پذیرش می باشد یا خیر؟ در این خصوص اختلاف نظر وجود دارد که ابتدا به نظر دکترین حقوق سپس رویه قضایی و سپس نشست های قضایی و در ادامه به نظریات مشورتی اشاره می شود.

### الف) دکترین حقوق

به نظر می رسد که این امکان در مورد دعاوی ورود ثالث اصلی صحیح نیست، چرا که مستلزم تغییر در مسیر دادرسی و صدور حکم در موضوعی تازه است دیگر نمی توان آن را اعتراض تلقی کرد یا هدف آن را الغای حکم دانست. به عبارت دیگر دعاوی اعتراض ثالث حرکتی است که از حکم شروع می شود و به سمت دعاوی اصلی و موضوع اولیه ادامه می یابد (حرکت معکوس) و حال آنکه دعاوی تازه حرکت به سمت نتیجه و صدور حکم و تحقق نظم حقوقی جدید است (=حرکت مستقیم) ولی ورود ثالث تبعی و نیز جلب ثالث به منظور تقویت دعوا نه خواسته ای تازه که منتهی به محکومیت ثالث شود منعی ندارد، زیرا این دعاوی برخلاف اهداف اعتراض ثالث محسوب می شوند و در صورت تردید، کافی است

که به اصل استماع دعاوی استناد شود، برای مثال معترض ثالث، شخصی را به منظور تایید خرید مال غیر منقول به دادرسی فرا می‌خواند، ثالث یا فروشنده مال به عنوان وارد ثالث و به منظور تقویت موضع معترض ثالث اقامه دعوا می‌کند (ورود ثالث) (دکتر عبدالله خدابخشی، حقوق دعاوی، جلد سوم، انتشارات شرکت سهامی انتشار، صفحه ۱۲۸)

### (ب) رویه قضایی

شعبه ۲۱۵ دادگاه عمومی حقوقی تهران با بیان اینکه در دعوی معترض ثالث، آنچه باید موضوع خواسته باشد فقط و تنها اعتراض به دادنامه مربوط است و ذکر خواسته‌ای دیگر، فاقد وجاهت قانونی است، زیرا با الغای حکم مورد اعتراض به صورت قطعی، امکان دعوی دیگر وجود خواهد داشت اقامه دعوایی را که مقدمه دعوی ثالث نیست مسموع نمی‌داند این رای به موجب دادنامه شماره ۱۳۶۸ ۳۰۱ ۲۲۰ ۹۹۷ ۳۷۹ دادگاه تجدیدنظر ۱۰ مورخ ۲۴ ۱۰ ۹۱ شعبه تایید می‌گردند. به موجب دادنامه شماره ۹۷۶ ۲۹ ۲۲ ۰ ۹۷۰ ۹۱ ۰ مورخ ۲۳ ۱۳۹۱ ۸ شعبه ۲۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران، نظر به اینکه دعوا ورود ثالث، حسب مدلول ماده ۱۳۰ قانون آیین دادرسی مدنی در دعاوی اصلی است و با توجه به اینکه دعوی اعتراض ثالث با مفهوم و مدلول ماده ۱۳۰ دعوی ورود ثالث به اعتراض تلقی نمی‌گردد، چون در صورت صحت ادعای اعتراض ثالث، دادگاه حسب مدلول ماده ۴۲۵ قانون آیین دادرسی مدنی، صرفاً تکلیف قانونی بر الغای دادنامه مورد اعتراض را دارد نه صدور حکم دیگر که با طرح دعوی طاری، آن را مداخلت قرار دهد، بنابراین دعوی طاری در اعتراض ثالث با توجه به مطالب معنونه فاقد موضوعیت قانونی است.

## ج) نشست قضایی

موضوع: اعتراض ثالث به حکم قطعی  
 پرسش: حکم قطعی درباره موضوعی صادر می‌شود و شخص ثالث به آن معترض است؛ در حین رسیدگی، شخص ثالث دیگری دادخواست ورود ثالث تقدیم می‌کند آیا قابل پذیرش است یا خیر؟ (ورود ثالث در اعتراض ثالث ممکن است یا خیر؟)<sup>۱</sup>

## نظر هیئت عالی

بر حسب اطلاق ماده ۱۳۰ قانون آیین دادرسی مدنی دادگاه های عمومی و انقلاب، هرگاه شخص ثالثی در موضوع دادرسی اصحاب دعوی اصلی برای خود حقی قائل باشد و یا خود را در محق شدن یکی از طرفین، ذی نفع بداند، می‌تواند تا وقتی که ختم دادرسی اعلام نشده است، وارد دعوا شود. در دعوی اعتراض شخص ثالث نسبت به حکم قطعی سابق الصدور هم ممکن است شخص دیگری غیر از اصحاب دعوی اصلی و اعتراض ثالث که برای خود حقی قائل است و یا خود را در محق شدن یکی از اصحاب دعوی اعتراض ثالث ذی نفع بداند با رعایت جهات مذکور در ماده ۱۳۰ قانون مزبور با تقدیم دادخواست وارد دعوا شود و اظهار حق کند و عبارت (دادرسی اصحاب دعوی اصلی) مقید در ماده ۱۳۰ قانون، مانع قبول دعوی وارد ثالث نخواهد بود، زیرا در این مورد دعوی اعتراض ثالث، به مثابه دعوی اصلی است؛ لکن استثنائاً در ماده ۴۴۱ قانون فوق الذکر در باب اعاده دادرسی تصریح شده، در اعاده دادرسی غیر از طرفین دعوا شخص دیگری به هیچ عنوان نمی‌تواند داخل در دعوا شود که از مفهوم این ماده قانونی هم جواز طرح دعوی ورود ثالث در جریان رسیدگی به دعوی اعتراض ثالث استفاده می‌شود و نهی قانونگذار صرفاً ناظر به اعاده دادرسی است و نظر اول (اکثریت) صحیح است.

۱. نشست قضایی استان مازندران / شهر بابلسر تاریخ برگزاری ۱۳۸۳.۰۲.۰۹.

**نظر اکثریت**

بله، زیرا: ۱. قانونگذار، ماده ۱۳۰ قانون آیین دادرسی مدنی را در باب ورود ثالث، به این لحاظ پیش‌بینی کرده که از تضييع شدن حقوق اشخاص ثالث در حين رسيدگی جلوگیری به عمل آيد، چه اين امر مربوط به مرحله اول دادرسی باشد يا اينکه بعد از اعتراض ثالث و گسسته شدن پرونده سابق و شروع رسيدگی جديد باشد. ۲. آنچه در ورود ثالث قابل توجه است، مفتوح بودن دادرسی است چه مرحله بدوی باشد چه تجديد نظر باشد و چه در زمان رسيدگی به اعتراض ثالث باشد؛ چون در اين مرحله دادرسی مفتوح است ثالث حق ورود نیز دارد. ۳. ماده ۴۴۱ قانون آیین دادرسی مدنی در اعاده دادرسی جز به طرفين اصلی حق ورود نداده است ولی در اعتراض ثالث اين امر را پیش‌بینی نکرده است که حکایت از عدم مخالفت مقنن دارد. ۴. مطابق ماده ۴۲۰ همین قانون، ترتیب دادرسی در اعتراض اصلی مانند دادرسی نخستین است که با پذیرش اين امر چون در دادرسی نخستین ورود ثالث نیز ممکن است در اين مرحله که ثالث به عنوان معترض طرح دعوا کرده، ورود ثالث نیز ممکن است.

**نظر اقلیت**

۱- بعد از صدور حکم قطعی، ثالث فقط می‌تواند به عنوان معترض وارد شود و نه وارد ثالث زیرا ورود قبل از ختم دادرسی است و بعد از ختم آن، رسيدگی مجدد مجوز ورود نمی‌شود. ۲- اگر چه مقنن ورود در مرحله تجديد نظر یعنی بعد از خاتمه دادرسی نخستین را اجازه داده است اما اين امر استثناء است. ۳- ماده ۱۳۰ قانون آیین دادرسی مدنی از دعوای اصلی نام می‌برد که در اعتراض ثالث اصلی نیست. ۴- مقررات آیین دادرسی مدنی مشخص است و خلاف آن نمی‌توان عمل کرد. ۵- نظر بعضی از حقوق‌دانان با توجه به حقوق فرانسه که معتقدند قانون ما از آنجا اقتباس شده، بر اين است که ورود ثالث ممکن نیست.



**د) نظریات مشورتی**

شماره نظریه: ۸۱۹/۹۸/۷ شماره پرونده: ح ۹۱۸-۷۲۱-۸۹ تاریخ نظریه:

۱۳۹۸.۱۰.۰۸

استعلام:

آیا محکوم علیه حکمی که در اعتراض ثالث نسبت به رأی دادگاه به عنوان خواننده به دادرسی فرا خوانده شده است می تواند طرح دعوی تقابل را به طرفیت معترض ثالث مطرح کند؟

**نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضاییه**

اعتراض ثالث به عنوان یکی از طرق فوق العاده شکایت از آراء است که هدف از آن رسیدگی به ادعای ثالث در خصوص رأی معترض عنه است و طبق ماده ۴۲۴ قانون آیین دادرسی مدنی، نهایتاً اگر دادگاه ادعای ثالث را وارد تشخیص داد، حکم صادر شده را کلاً یا جزئاً الغا می کند. بنابراین، امکان طرح دعوی تقابل در ضمن رسیدگی به اعتراض ثالث وجود ندارد. بدیهی است که دعوی طرح شده به عنوان دعوی مستقل مطابق مقررات قانونی رسیدگی می شود.

شماره نظریه: ۱۲۹۸/۹۸/۷ شماره پرونده: ح ۸۹۲۱-۷۲۱-۸۹ تاریخ نظریه:

۱۳۹۸.۱۰.۱۷

استعلام: احتراماً شخص ثالث به حکم قطعی اعتراض می کند، اعتراض ثالث اصلی و در اولین جلسه دادرسی دادخواست جلب ثالث تقدیم می نماید، حال سوال آن است که امکان تقدیم دادخواست جلب ثالث در مرحله رسیدگی به اعتراض ثالث وجود دارد یا خیر؟

**نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضاییه**

اعتراض ثالث به عنوان یکی از طرق فوق العاده شکایت از آراء است که هدف از آن رسیدگی به ادعای ثالث در خصوص رأی معترض عنه است و طبق ماده ۴۲۴ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ نهایتاً اگر دادگاه ادعای ثالث را وارد تشخیص داد، حکم صادر شده را کلاً یا جزئاً الغا